

رضاخان با سیاست کشف حجاب به دنبال حذف فرهنگ اسلامی بود

یکی از مسائلی که در زمان رضاشاه اجرا و با مقاومت طیف‌های مختلف مردمی رو به رو شد، طرح استعماری و ضد فرهنگی کشف حجاب و ممنوع اعلام کردن پوشش و حجاب اسلامی در سطح کشور بود.



یکی از مسائلی که در زمان رضاشاه اجرا و با مقاومت طیف‌های مختلف مردمی رو به رو شد، طرح استعماری و ضد فرهنگی کشف حجاب و ممنوع اعلام کردن پوشش و حجاب اسلامی در سطح کشور بود.

به گزارش خبرگزاری مهر، ۱۷ دی ماه سالروز اجرای سیاست ضدفرهنگی و استعماری کشف حجاب به دستور رضاشاه پهلوی است.

رضاخان بعداً از روی کار آمدن، برای رسیدن به اهداف شوم خود و زدودن فرهنگ ملت مسلمان ایران، با به وجود آوردن محیطی رعب آور، به اقداماتی پرداخت که هدف از آن اقدامات درنهایت، اجرای مأموریت پلید خود یعنی کشف حجاب بود. از جمله اقدامات او صدور قانون «متحدالشکل نمودن البسه» بود. وی استفاده از کلاه تمام لبه یا شاپو را برای مردان الزامی اعلام کرد و دستور جلب اشخاص بدون کلاه شاپو را صادر نمود. او هم چنین استفاده از لباس روحانیت را ممنوع و منوط به اخذ اجازه نمود. برگزاری مجالس عزاداری و روضه نیز موقوف به کسب اجازه از شهربانی گردید که غالباً شهربانی از صدور اجازه برای برگزاری مجالس خودداری می نمود.

سفر رضاخان به ترکیه

محمدعلی فروغی مدتی سفیر کبیر ایران در ترکیه بود. در آن مدت بین او و کمال آتاتورک روابط بسیار خوبی ایجاد شد. او از این نزدیکی استفاده نمود و موجبات سفر رسمی شاه را به ترکیه فراهم ساخت. غرض و نیت فروغی آشنایی شاه از نزدیک با مظاهر تمدن غرب بود. رضاشاه در خرداد ۱۳۱۳ عازم ترکیه شد. مدت سفر او چهل روز به طول انجامید. او در آنجا از نزدیک با مظاهر تمدن غرب آشنا شد و پس از مراجعت تصمیم گرفت ایران را از لحاظ ظاهر به پای ترکیه برساند. تغییر کلاه مردان، کشف حجاب و تأسیس دانشگاه رهاورد سفر به ترکیه بود. فروغی با مهارت خاصی موفق به انجام دادن خواسته‌های خود شد، بدون اینکه شخصاً در این راه قدمی برداشته باشد. (۱)

منع حجاب در مدارس

در خرداد ۱۳۱۴، یک روز رضاخان هیأت دولت را احضار کرد و گفت: ما باید صورتاً و سنتاً غربی شویم و باید در قدم اول کلاه‌ها تبدیل به شاپو بشود؛ و نیز باید شروع به رفع حجاب زن‌ها نمود و چون برای عامه مردم دفعتهً مشکل است اقدام کنند، شما وزرا و معاونین باید پیش قدم بشوید و هفته‌ای یک شب با خانم‌های خود در کلوب ایران مجتمع شوید؛ و به حکمت، وزیر فرهنگ، دستور داد که در مدارس زنانه، معلمان و دخترها باید بدون حجاب باشند و اگر زن یا دختری امتناع کرد، او را در مدرسه راه ندهند. (۲)

واقعه مسجد گوهر شاد

دستور تغییر لباس و استفاده از کلاه شاپو که به مشهد رسید، علما و مراجع به شدت متأثر گشتند. آیت‌الله حاج آقا حسین قمی و آیت‌الله سید یونس اردبیلی، طی جلسات متعددی، این مسئله را بررسی کردند و اظهار نمودند که تغییر لباس به برداشتن حجاب منتهی خواهد شد. آیت‌الله حاج حسین قمی تصمیم گرفت به تهران برود و با رضاخان وارد مذاکره شود. هنگامی که به شهر ری رسید، پلیس محل سکونت ایشان را محاصره کرد. خبر گرفتاری آیت‌الله قمی سبب تشدید احساسات و غلیان افکار عمومی گردید. لذا اجتماع مردم در اطراف مراجع فشرده تر و ناگزیر به مسجد گوهرشاد کشیده شد. در آنجا خطبا و از جمله شیخ محمدتقی بهلول به منبر رفتند و مردم را به مقاومت دعوت نمودند. پس از چند روز، سرانجام صبح جمعه ۲۰ تیر ماه ۱۳۱۴ نیروهای نظامی، اطراف مسجد را محاصره نمودند و مردم را در آن مکان شریف به خاک و خون کشیدند. (۳)

دشمنی رضاخان با اسلام

رضاخان پس از رسیدن به قدرت، درصدد فریب مردم برآمد. او با پای پیاده همراه دستجات عزاداری حرکت می کرد و در مجالس

عزاداری و تکیه‌ها حاضر می‌شد و خود را مقید به اصول مذهب نشان می‌داد. اما پس از استقرار حکومتش، همه تلاش خود را در راه زیر پا نهادن سنت‌های مذهبی به کار بست. او در راه رسیدن به اهداف شوم و پلید خود مردم را در حرم مطهر امام رضا علیه السلام به خاک و خون کشید. واقعه مسجد گوه‌رشاد نمونه بارز و علنی دشمنی او با اسلام بود.

در اوایل سال ۱۳۱۴، رضاخان دستور داد مردها کلاه شاپو بر سر بگذارند و زن‌ها بدون چادر از خانه خارج شوند. پاسبان‌ها اجازه داشتند چادرها و روسری‌ها را از سر زنان بکشند. کوچه‌ها و خیابان‌ها صحنه جنایات و فجایع رقت‌باری بود و همه روزه صدها زن بی دفاع مورد حمله پاسبان‌ها قرار می‌گرفتند. زنانی که به هیچ وجه نمی‌خواستند بدون حجاب از خانه خارج شوند، تصمیم گرفتند در خانه بمانند و برای عده‌ای این‌خانه‌نشینی تا رفتن رضاشاه ادامه داشت.

جشن دانشسرای مقدماتی

برای برداشتن حجاب بانوان، مجالس جشن و سخنرانی ابتدا در تهران و سپس به تدریج در سایر شهرها برگزار گردید و بیشتر مردم نه تنها از این مجالس استقبال نمی‌کردند، بلکه با نظر منفی به آن می‌نگریستند. در روز ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴، شاه به اتفاق ملکه و دخترانش در جشن دانشسرای مقدماتی حضور یافتند. در آن روز ملکه و شمس و اشرف پهلوی بدون حجاب وارد دانشسرا شدند. شاه پس از اعطای جوایز و دیپلم به فارغ‌التحصیلان ضمن نطقی خطاب به بانوان آموزگار و دوشیزگان فارغ‌التحصیل گفت: «… شما خانم‌ها این روز را یک روز بزرگ بدانید… شما تربیت‌کننده نسل آینده خواهید بود و شما هستید که می‌توانید آموزگاران خوبی باشید و افراد خوبی از زیر دستان شما بیرون بیایند (۴)»!

دشمنی رضاخان با چادر به سر کردن

رضاشاه فلسفه اقدام احمقانه کشف حجاب را برای محمود جم که کشف حجاب در زمان نخست‌وزیری او انجام گرفت چنین بیان می‌کند: «این چادر چاقچورها را چطور می‌شود از بین برد؟ دو سال است که این موضوع فکر مرا به خود مشغول داشته. از وقتی که به ترکیه رفتم و زن‌های آنها را دیدم که پیچه و حجاب را دور انداخته و دوش به دوش مردها کار می‌کنند، دیگر از هر چه زن چادری بود، بدم آمده است. اصلاً چادر و چاقچور دشمن ترقی و پیشرفت مردم ماست. درست حکم یک دُم‌ل را پیدا کرده که باید با احتیاط به آن بیشتر زد و از بینش برد (۵)».

خاطرات صدر الاشراف

در خاطرات صدر الاشراف آمده است: «در اتوبوس زن با حجاب را راه نمی‌دادند و در معابر پاسبان‌ها از اهانت و کتک زدن به زن‌هایی که چادر داشتند، با نهایت بی‌پروایی و بی‌رحمی فروگذار نمی‌کردند. حتی بعضی از مأمورین، به خصوص در شهرها و دهات، زن‌هایی که پارچه روی سر انداخته بودند، اگرچه چادر معمولی نبود، از سر آن‌ها کشیده، پاره می‌کردند و اگر زن فرار می‌کرد، او را تا توی خانه اش تعقیب می‌کردند و به این هم اکتفا نکرده، اتاق زن‌ها و صندوق لباس آن‌ها را تفتیش کرده، اگر چادر از هر قبیل می‌دیدند، پاره می‌کردند یا به غنیمت می‌بردند (۶)».

تغییر لباس، تغییر فرهنگ

مسئله لباس و شکل و نوع آن، امری ساده و سطحی نیست… تغییر لباس همواره پیامد تغییر یک فرهنگ است و انسان تا با فرهنگ خود وداع نکند، نمی‌تواند با لباس خود وداع کند و تا فرهنگ یک قوم را نپذیرد، لباس آنان را به تن نمی‌کند. درست به همین دلیل است که در احادیث ما آمده است که هر که خود را به گروهی شبیه سازد، هم از آن گروه است. (۷)

حذف فرهنگ اسلامی توسط رضاخان

رضاخان پس از پا گرفتن قدرتش، از سوی استعمار انگلیس، مأموریت یافت که از طریق بی‌توجهی و حذف نمادهای دینی و سنن مذهبی، فرهنگ اسلامی را از صحنه زندگی مردم خارج کرده، فرهنگ غرب را جانشین آن نماید. کشف حجاب یکی از برنامه‌هایی بود که او در دستور کار خود قرار داده بود. این برنامه از جمله اقداماتی بود که او را به هدف شیطانی خود نزدیک می‌کرد.

کشف حجاب، عریان کردن نهفته‌ها

فرانتس فانون می‌نویسد: «کشف حجاب یعنی آشکار کردن زیبایی‌ها، یعنی عریان کردن نهفته‌ها و اسرار، یعنی شکستن مقاومت او، یعنی او را در اختیار خویش گرفتن و بالعکس پوشیدن چهره یعنی مخفی کردن یک راز و ایجاد یک دنیا اسرار و نهفته

ها، … این زن که بیرون و دیگران را می بیند ولی خود دیده نمی شود، به استعمارگر محرومیتی را تحمیل می نماید؛ زیرا این دیدن یک طرفه است و تقابل وجود ندارد. زن دیده نمی شود، تسلیم نمی گردد، خود را عرضه نمی کند (۸)».

تغییر لباس و تغییر فرهنگ

دکتر حداد عادل، لباس یک ملت را مصداقی از فرهنگ آن ملت می داند و می گوید: در جامعه ما، در سال های قبل و بعد از ۱۳۱۴، آن ها که تغییر لباس را پذیرفتند، همان کسانی بودند که فرهنگ غربی را پذیرفته بودند و آنها که نپذیرفتند نیز آنهایی بودند که آن فرهنگ را نپذیرفته بودند و گول آن به اصطلاح «ترقی»، «آزادی» و «تساوی حقوق» را نخورده بودند … مسئله به ظاهر خیلی ساده بود. رضاخان می خواست زنان را از کیسه سیاه چادر به در آورد و آنان را وارد دنیای پر نور و مترقی جدید کند. ولی اکثریت عظیم این مردم در برابر این پیشنهاد ساده و منطقی، تا سرحد جان مقاومت کردند و حتی حاضر شدند جان خود را فدا کنند و کفن بپوشند، اما لباس غربی نپوشند. (۹)

کشف حجاب و آثار اقتصادی آن

تأثیر اقتصادی تغییر لباس و کشف حجاب این بود که زمینه استفاده از لباس های، لوازم آرایش و سایر فرآورده های ظاهر فریب سرمایه داری غربی فراهم گردید … با تغییر لباس مردان و زنان به سبک اروپایی، ایرانیان مجبور شدند تولیدات آنها را وارد کشور کرده، سپس تهیه و مصرف کنند و بدین ترتیب، کم صنایع داخلی از قبیل کارگاه های نساجی پارچه و … چون نمی توانستند با مدهای رنگارنگ پاریس، لندن و نیویورک مقابله و رقابت کنند، از بین رفتند و سرمایه های داخلی به جای تولید مجبور به واردات شدند و سرمایه داران استعماری هم درآمدهای سرشاری را به جیب زدند. (۱۰)

دفاع زنان ما از لباس و حجابشان در قضیه کشف حجاب رضاخانی، یک حماسه غرورانگیز در تاریخ ملت ماست. ماجرای دردناک مسجد گوهرشاد مشهد و آن جمع کثیری که در مخالفت بابتی حجابی رضاخانی، با دست خالی در برابر اسلحه ایستادند و کشته شدند، سند افتخار ملتی است که تا پای جان می کوشد از معنویت و فرهنگ الهی خود دفاع کند. (۱۱)

برانداختن فرهنگ رضاخانی

بیشتر مردم در برابر کشف حجاب رضاخانی مقاومت کردند و دستگاه حکومت پهلوی علی رغم همه زورها و فشارهای اجتماعی و تبلیغاتی خود، روز به روز خود را در این مسئله شکست خورده تر دید. دشمن اگر باهوش بود، از همین مقاومت مردم در برابر کشف حجاب می توانست میزان اعتقاد و وفاداری این مردم را به اسلام بفهمد … بالاخره دیدیم که همان زنانی که اجازه نداده بودند رضاخان با تغییر لباس آنان، پرچم بیگانه را بر تن آنان بپوشاند، همان زنانی که سال ها مقاومت منفی کردند و در خانه ماندند، چهل و چند سال بعد همراه دختران و نوه های خود، با همان چادرها یعنی با همان پرچم های مسلمانی خود قیام کردند و دوش به دوش برادران خود، در یک انقلاب خونین، با بر انداختن دودمان پهلوی به سلطه فرهنگ رضاخانی نیز خاتمه دادند. (۱۲)

توطئه کشف حجاب

امام خمینی واقعه کشف حجاب را توطئه ای برای فاسد کردن جامعه اسلامی می دانستند و می فرمودند: «نقشه این بود که با توطئه کشف حجاب مفتضح در زمان قلدر ناپم، رضاخان، این قشر عزیز را که جامعه را باید بسازند، تبدیل کنند به یک قشری که فاسد کنند جامعه را و این نقشه نه اختصاصی به شما بانوان داشت، بلکه جوانان مرد را هم همین طور، بکشاند به مراکز فساد و آن طور که می خواهند آن ها را تربیت کنند که اگر چنانچه کشورشان به دست هر کس بیفتد، بی تفاوت باشند یا مؤید». (۱۳)

مبدأ همه سعادت ها از دیدگاه امام خمینی

«مع الاسف زن در دو مرحله مظلوم بوده است؛ یکی در جاهلیت … و اسلام منت گذاشت بر انسان، زن را از آن مظلومیتی که در جاهلیت داشت، بیرون کشید. در موقع دیگر، در ایران ما، زن مظلوم شد و آن دوره شاه سابق بود و شاه لاحق، به اسم اینکه زن را می خواهند آزاد کنند، ظلم کردند به زن. زن را از آن مقام شرافت و عزت که داشت، پایین کشیدند … در صورتی که زن انسان است؛ آن هم یک انسان بزرگ. زن مری جامعه است … سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می کند. مبدأ همه سعادت ها از دامن زن بلند می شود و مع الاسف زن را به صورت یک لُعبه در آوردند این پدر و پسر … آن قدر جنایات که به زن کردند، به مردان نکردند». (۱۴)

فرجام عاملان کشف حجاب

یکی از علمای بزرگ نقل می کند که پدرم شنیده که پاسبانی چادری را از سر زنی می کشد. و پاره می کند. زن به او می گوید: تو را به حضرت عباس قسم، چادر را بده. پاسبان می گوید: حضرت عباس بیاید و بگیرد. زن گریه کنان می رود. لحظاتی بعد پاسبان که با تفنگ بازی می کرده، غفلتاً تفنگ را می گیرد زیر گلویش. ناگهان به پایش ماشه می خورد و تیر از زیر گلویش فرو می رود و از سرش در می آید. و به درک واصل می شود. هر پاسبانی که این عمل را انجام داد و به زور چادر را از سر زنان کشید، عاقبت بدی پیدا کرد. بعضی از آنها به مرض های عجیبی گرفتار شدند و با فلاکت و بدبختی از دنیا رفتند. (۱۵)

قصه ها و غصه های طرح استعماری کشف حجاب

دوستی تعریف می کرد که در شهر کوچکشان کاشمر، رئیس شهربانی وقت (همان که مدرس را شهید کرده بود)، روی تپه مرتفعی در حاشیه شهر می ایستاد و با دوربین نگاه می کرد و تا از دور زنی را با چادر می دید، به پاسبان ها دستور می داد با اسب بتازند و او را بگیرند و چادرش را پاره کنند. چه بسیار زنانی که مأموران چادرشان را برداشتند و آنها از شدت غصه و ناراحتی دق کردند و مردند. چه بسیار زنانی که از هول و اضطراب سقط جنین کردند و چه بسیار مادران و مادر بزرگ های ما که در همه آن سال های وحشت و دیکتاتوری از خانه بیرون نیامدند. (۱۶)

نقل از مجله گلبرگ / rlm& لیلی صدر هاشمی

منابع:

۱. حکایت کشف حجاب، صص ۹ و ۱۰.
۲. حیات یحیی، ج ۴، ص ۳۰۲.
۳. حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۶، صص ۲۸۱ - ۲۸۳ (با تلخیص).
۴. حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۶، صص ۲۸۱ - ۲۸۳ (با تلخیص).
۵. همان، ص ۲۹۱.
۶. محسن صدر، خاطرات صدر الاشراف، ص ۲۱۱.
۷. غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۴۰.
۸. فرانتس فانون، سال پنجم الجزایر، ترجمه دکتر تابنده.
۹. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، صص ۴۷ و ۴۸.
۱۰. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۸۵.
۱۱. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۴۸.
۱۲. همان، ص ۵۵.
۱۳. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۳۰.
۱۴. صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۳۹.
۱۵. حکایت کشف حجاب، ص ۱۲۷ (با اندکی تغییر و تلخیص).
۱۶. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۴۸.